

موسوی مطلق، سید عباس،
حافظ و پیر مغان، سید عباس موسوی مطلق،
دریافت‌ها و اشاراتی از ابیات حافظ در خصوص حضرت اباعبدالله الحسین،
فرزندان، اصحاب، هنارس، ۱۳۸۴
۱۸۷ ص چاپ اول
شابک: ۷ - ۱۹ - ۸۷۳۶ - ۹۶۴
فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا
کتابنامه، به صورت زیرنویس و همچنین ص ۱۷۹.

حافظ و سیر مغان

این لطائف کز لب لعل تو من گفتم، که گفت
وین قطاوول کز سر زلف تو من دیدم، که دید

تحقیق و پژوهش: سید عباس موسوی مطلق



شناسنامه کتاب

نام کتاب: حافظ و پیر مغان

مؤلف: سیدعباس موسوی مطلق

ناشر: انتشارات هینارس

چاپ: کوثر - گرافیک و حرفه‌نگاری: علی موسوی

ناظر فنی: آرش میرزائی - نوبت چاپ: اول - تاریخ چاپ: بهار ۱۳۸۵

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۱۰۰ تومان

شابک: ۷-۱۹-۸۷۳۶-۹۶۴

مراکز پخش

قم - خیابان ارم - پاساژ قدس - طبقه آخر - پلاک ۱۶۷ تلفن: ۷۸۳۴۴۸۲

قم - خیابان صفائییه - کوچه ممتاز - کوچه فروردین - پلاک ۱۰

مؤسسه فرهنگی مطالعاتی هینارس - تلفن: ۷۸۳۱۴۱۱

فهرست مطالب

۵

۱۱	یادآوری.....
----	--------------

دیباچه سخن

۱۵	سفارش استاد شوشتری به مطالعه کتاب روح مجرد.....
۱۶	ملاقات مؤلف با مرحوم علامه.....
۱۷	بیان مرحوم علامه طهرانی.....
۱۸	قضیه مرحوم درّی در خصوص بیتی از حافظ.....
۲۰	سخن آیه الله موسوی نجفی در خصوص غزلیات حافظ.....
۲۱	امام زمان علیه السلام و جناب حافظ.....

فصل اول * امام حسین علیه السلام

۲۵	کشتگان کربلا.....
۳۲	تفسیر جمال آفتاب.....
۴۰	تفسیر شرح سودی.....
۴۴	تفسیر ختمی لاهوری.....
۵۰	آتشی که نمیرد.....
۵۱	هیلال محرم.....
۵۲	رندان تشنه لب.....

حافظ و پیر مغان

۵۴	قصه عشق
۵۶	یوسف ثانی
۵۸	نمونه‌ای از بی حرمتی در مجلس ابن زیاد لعنة الله علیه
۵۹	گوشه‌ای از بی حرمتی‌ها در شام
۶۰	حکم ازلی
۶۳	حکم بلا
۷۰	کیمیا نظر
۷۲	نفس فرشتگان
۷۴	چه خون افتاد در دلها
۷۶	فراق حسین علیه السلام
۷۷	نوحه قُمری
۷۸	الا یا ایها الساقی
۸۰	شرح جمال حور
۸۱	شب قدر کربلا
۹۰	شاه شهیدان سروده علامه طباطبائی رحمته الله علیه
فصل دوم * شام غریبان	
۹۵	نماز شام غریبان
۹۸	طره شیرنگ
۹۹	شام غریبان
فصل سوم * حضرت زینب کبری علیها السلام	
۱۰۳	روز واقعه

حافظ و پیر مغان

- خیال روی تو ۱۰۴
- شمع دل ۱۰۸
- واقعه لات و منات ۱۱۱
- بی مهر رخت ۱۱۳

فصل چهارم * حضرت ابوالفضل علیه السلام

- شاه شمشاد قدان ۱۱۷
- از زبان حضرت عباس علیه السلام ۱۲۰
- جور از حبیب خوشتر کز مدعی رعایت ۱۲۱
- عکس رخ یار ۱۲۳
- حضرت ابوالفضل علیه السلام ۱۲۶
- مشهور خوبانم ۱۲۷

فصل پنجم * حضرت علی اکبر علیه السلام

- پیر مغان ۱۳۱

فصل ششم * حضرت قاسم علیه السلام

- مه چاردهش ۱۳۵
- تضمین غزل حافظ توسط مرحوم مرشد چلوئی ۱۳۶

فصل هفتم * حضرت علی اصغر علیه السلام

- حضرت علی اصغر علیه السلام ۱۴۱

فصل هشتم * حضرت رقیه علیه السلام

- درد دل حضرت رقیه علیه السلام ۱۴۵

فصل نهم * اصحاب حضرت

حافظ و پیر مغان

- پیوستن زهیر و خُرو ۱۵۱
- حرّین یزید ریاحی ۱۵۷
- توبه حرّ و پیوستن به لشکر حضرت ابی عبدالله الحسین علیه السلام ۱۵۸
- جواب تلخ می زید لب لعل شکر خارا ۱۶۲
- بگشای تربتم را ۱۶۵
- خدمت جام جهان نما ۱۶۸

فصل دهم * حافظ و تربت

- حافظ و تربت ۱۷۳
- منابع و مآخذ ۱۸۱
- گزیده آثار مؤلف ۱۸۴

«یادآوری»

همانگونه که در کتاب «حافظ و قبله هفتم»^۱ و «خواجۀ قنبر در دیوان خواجۀ شیراز»^۲ متذکر گردیده‌ام، باز هم عرض می‌کنم که:.... این دریافت‌ها و برداشت‌ها بدان معنی نیست که *إلا و لابد* همین است و بس... گاهی از یک بیت شعر، افراد مختلف معانی گوناگونی استنباط و استخراج می‌کنند و هیچ کدام در ظاهر وجه تشابهی با هم ندارند، در حالی که *مُخَلّ* معنا هم نیستند.

سخن مقام معظم رهبری نیز در این زمینه قابل تأمل است. معظم‌له در کنگره جناب حافظ فرمودند:

«... پدر بزرگ من از علمای معروف مشهد و مردی زاهد بود و دیوان حافظ خودش را به مادر من داده بود، من در کودکی با آن دیوان مأنوس بودم. در حاشیه دیوان آن مرد عالم فقیه زاهد یادداشت‌هایی نوشته بود، از جمله یکی از یادداشت‌ها این بود که این غزل را در

۱. تاکنون چندین مرتبه به زیور طبع آراسته شده است.

۲. انتشارات هنارس، زمستان ۸۴.

حافظ و پیر مغان

کشتی ما بین کراچی و جای دیگر در ستر مکه می خواندم. یک عالم عابد زاهد مسلک در راه مکه که می خواسته است حالی بکند از شعر حافظ استفاده می کرده است. ما راه را نباید بر کسی ببندیم، هر کس از هر چه بخواهد استفاده کند و هر جور استفاده ای دل او بخواهد بکند، آزاد است ولی ما حق داریم چهارچوبی برای جهان بینی حافظ مشخص کنیم. جهان بینی حافظ، جهان بینی عرفانی است آن کسی این اشعار عرفانی را می گوید که نظیر آن در یک باب عرفان تاکنون گفته نشده است نمی تواند جهان بینی غیر از جهان بینی عرفانی داشته باشد. اولاً بارزترین مظهر این جهان بینی در کلام حافظ عشق است و این بدان خاطر است که بشر در راه طولانی که در مراحل سلوک دارد تا به لقاء الله برسد...



سفارش استاد شوشتری به مطالعه کتاب روح مجرد

تابستان سال ۱۳۷۲ بنا به سفارش استاد عزیزم عالم ربّانی معلّم اخلاق و عرفان، جناب حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالقائم شوشتری،^۱ مشغول به مطالعه کتاب شریف «روح مجرد» تألیف عارف گمنام حضرت علامه مرحوم آیة الله سیّد محمد حسین حسینی طهرانی رحمه الله شدم، کتاب روح مجرد یادنامه موحد عظیم و عارف کبیر حاج سیّد هاشم موسوی حدّاد رحمه الله، از شاگردان اخلاقی عارف بالله و بأمر الله، آیة الله علامه حاج سیّد علی آقا قاضی طباطبائی رحمه الله می باشد.

در این کتاب، نحوه تشرف حضرت علامه آیة الله طهرانی رحمه الله به محضر حضرت آقای حدّاد و کیفیت زندگانی و سیره عملیه و حالات و مقامات توحیدیه و احوال شاگردان ایشان ذکر، و در ضمن بیان سفرهای معظم له، مباحث دقیق توحیدیه و سلوک الی الله و لزوم

۱. برای آشنائی با معظم له به کتاب «غم عشق» و «خرمن معرفت» مراجعه شود.

تبعیت از استاد و دفاع از عرفان و عرفاء بالله و ردّ تهمت‌های ناروا بر محبّی الدّین و معنای وحدت وجود و... مطرح شده است.

ملاقات مؤلف با مرحوم علامه

با خواندن مقداری از این کتاب مشتاق شدم که مؤلف آن را یعنی حضرت علامه رحمه الله را که قبلاً هم با برخی از آثار ایشان همچون «مهرتابان»، «لب الباب» و «رساله سیر و سلوک» و... آشنا بودم، زیارت کنم، لذا به عزم ملاقات ایشان به پابوسی سلطان سریرارتضاء السّطان ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه آلاف والتّحیه و الثّناء در مشهد مقدس به راه افتادم، نیمه‌های شب به مشهد رسیدم، تا اذان صبح صبر کردم، اذان صبح غسل زیارت نموده و به حرم مشرف شدم. تا نزدیکی ظهر در حرم مطهر بودم، و سپس با گرفتن نشانی منزل ایشان به در منزل معظم له رفتم، زنگ در را زدم که گویا پسر ایشان پشت گوشی (اف اف) گفتند که: آقا ملاقات ندارند.

عرض کردم: از راه دوری (قم) آمده‌ام و تا الان هم حضرت آقا را ملاقات نکرده‌ام، مع الوصف جواب منفی بود، یکساعت بعد زنگ زدم همان جواب را شنیدم تا پنج بار هر ساعتی یکبار زنگ می‌زدم ولی موفق به ملاقات ایشان نشدم، لذا به حرم مطهر مشرف شدم، و از اینکه هنوز این لیاقت را پیدا نکرده بودم که ولیّی از اولیاء الهی را

زیارت کنم، تأسف می‌خوردم، شب را در مشهد ماندم، فردا ختم صلواتی گرفتم و به درِ منزل ایشان رفتم، خانواده معظم له مثل دیروز پُشت گوشی جواب منفی دادند که ناگاه خود حضرت آقا در را باز کرد. بسیار خوشحال شدم، و رفتم که دست ایشان را ببوسم که نگذاشتند، به ایشان عرض کردم: آقا دیروز پنج ساعت درِ منزل شما منتظر شدم و نتوانستم شما را زیارت کنم.

لبخندی زدند و فرمودند: مریضم، چند بار رفته‌ام، خدا مرا نگه داشته، ببخشید. چند سؤال از محضرشان پرسیدم و در آخر گفتم: آقا نصیحتی، مطلبی، چیزی بفرمائید! معظم له فرمودند: همه مطالب را در کتابها گفته‌ام. عرض کردم: در عمر خود به چه چیز رسیده‌اید؟! فرمودند: به اینکه اخلاص، اخلاص، اخلاص (باید داشت).

خلاصه ما مشغول به مطالعه این کتاب ارزشمند بودیم، تا اینکه به این مطلب رسیدم که حضرت ایشان پس از نقل یک خواب و بحثی در خصوص تعبیر آن می‌نویسد:

بیان مرحوم علامه طهرانی

... البته این ظهور و رؤیای مثالی است، ولی در عوالم بالاتر تعبیر و تفسیر دقیق‌تر می‌شود و از دقت و تجرّد بیشتری برخوردار است در عین آنکه این تعبیر مثالی بجای خود محفوظ است. از اسرار عوالم

حافظ و پیر مغان

برتر کسی مطلع نمی‌شود، مگر آنکه همجنس با آن عالم شود، و بر همین اساس تعبیر خواب مانند تفسیر قرآن کریم، ظاهر و باطنی دارد، و آن باطن هم دارای مراتب مختلفی می‌باشد.

برای شاهد مطلب داستان ذیل شنیدنی و جالب است، هم برای تعبیر و تفسیر، و هم برای ارتباط ارواح و تجرد عالم بالا.

مرحوم آقا سید ضیاء الدین دُرّی یکی از وعّاظ و اهل منبر درجه اول طهران، و استاد علوم معقول بودند؛ و اینک متجاوز از سی سال است که فوت کرده‌اند. حقیر (علامه طهرانی رحمته‌الله) در پای منبر ایشان کراراً بوده‌ام؛ مسلک جگمی و عرفانی در منبر داشت و بیانش جالب و منبرش محققانه بود. در شب سوّم و بیع الثانی یک هزار و چهارصد و دوازده هجریه قمریه، أخ الزّوجه حقیر (علامه طهرانی رحمته‌الله) حجة الاسلام آقای حاج سید حسن معین شیرازی دامت معالیه در منزل بنده در مشهد مقدس بودند و از ایشان خواب جالبی را نقل نمود که ذکرش مقرون به لطف است:

قضیه مرحوم دُرّی در خصوص بیتی از حافظ

معمولاً در طهران، هر واعظی را که برای یک دهه برای منبر رفتن در مجلسی دعوت می‌کردند، در شب آخر وی را برای همان دهه از سال دیگر دعوت می‌نمودند. در آخرین سالی که مرحوم دُرّی در قید

حافظ و پیر مغان^{۱۹}

حیات بود، یک شب از دهه محرم (شب هشتم یا نهم) جوانی از ایشان قبل از منبر سؤال می‌کند که: مراد از این شعر چیست؟

مرید پیر مغانم ز من مرنج ای شیخ چرا که وعده تو کردی و او بجا آورد

مرحوم درّی می‌گوید: جواب این سؤال را در بالای منبر می‌دهم تا برای همه قابل استفاده باشد.

ایشان در فراز منبر از قضیه نهی آدم ابوالبشر از خوردن گندم، و داستان نان جوین خوردن امیرالمؤمنین صلوات الله علیه را در تمام مدّت درازای عمر بیان می‌نماید، و حتّی اینکه آن حضرت در تمام مدّت عمر ابداً نان گندم نخورده و از نان جوین سیر نشد، و سپس می‌گوید: مراد از شیخ در این بیت حضرت آدم علی نبینا و آله و علیه السّلام است که وعده نخوردن از شجره گندم را در بهشت داد ولی به آن وفا نکرد و از امر خداوند سرپیچی نمود و گندم را تناول کرد. و مراد از پیر مغان حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه است که در تمام مدّت عمر نان گندم نخورد و وعده عدم تناول از شجره گندم را او ادا کرده و به اتمام رسانید. این مجموع تفسیر این بیت بود که وی (مرحوم درّی) بر سر منبر شرح داد و منبرش را خاتمه داد. قبل از پایان سال، مرحوم درّی فوت می‌کند، و لهذا در سال بعد در دهه محرم در آن مجلس مدّعوّی که باید حضور داشته باشد، نمی‌تواند شرکت نماید. درست در سال بعد در دهه محرم، در همان شبی که

حافظ و پیر مغان

این جوان سؤال را از مرحوم درّی می‌کند، وی را در خواب می‌بیند که: مرحوم درّی به نزد او آمد و گفت: ای جوان! تو در سال قبل چنین شبی از من معنی این بیت را پرسیدی و من آنطور پاسخ گفتم. اما چون بدین عالم آمده‌ام، معنی آن طور دیگری برای من منکشف شده است: مراد از شیخ حضرت ابراهیم علیه السلام است و مراد از پیر مغان حضرت سیدالشهداء صلوات الله علیه، و مراد از وعده، ذبح فرزند است که حضرت ابراهیم علیه السلام بدان امر خداوند وعده وفا داد، اما حقیقت وفا را حضرت اباعبدالله الحسین صلوات الله علیه، در کربلا به ذبح فرزندش حضرت علی اکبر صلوات الله علیه انجام داد...^۱

سخن آیه الله موسوی نجفی در خصوص غزلیات حافظ

... در محضر بزرگی که شیفته اهل بیت صلوات الله علیهم است، جناب آیه الله المعظم حضرت آقای حاج سید احمد آقا نجفی، صحبت از خواجه شیراز شد، ایشان فرمودند:

من معتقدم که تمام غزلهای حافظ یا حداقل یک بیت در هر غزل آن در خصوص امام حسین صلوات الله علیه و قضیه کربلا است...



امام زمان صلوات الله علیه و جناب حافظ

... در کتاب «تشریف یافتگان»^۱ نیز مطالعه نمودم: جناب حجة الاسلام والمسلمین حسن فتح الله پور به نقل از فرد موثق فرمود: روی نزد عارف وارسته‌ای شرفیاب شدم پس از یقین به صحت گفتارش و درک از این که او به نزد حضرت تشریفاتی دارد از او سوالاتی چند کردم که بسیار دقیق و پخته پاسخم گفت، در حالی که او هرگز با دروس حوزوی و مباحث فقهی و فلسفی آشنایی نداشت ولی به قدری بیانش بلند و عالی بود که مرا سخت شیفته خویش ساخت. قسمتی از سؤال و جوابهایم که قابل طرح کردن است، این بود:

از او پرسیدم: شما که در ایام محرم گاه به محضر حضرت تشریف می‌یابید به هنگام عزاداری، آن وجود مقدس از کدامین اشعار بیشتر استقبال می‌نمایند؟

فرمود: اشعار وداعیه مرحوم کمپانی رحمه الله! هنگامی که در مجلس آن حضرت اشعار او خوانده می‌شود طوفانی سخت وجود آن حضرت را فرا می‌گیرد و او به شدت می‌گرید!

باز پرسیدم: از دیگر اشعار مورد توجه آن حضرت کدام است؟

او فرمود: اشعار محتشم کاشانی، اشعار فرزددق و اشعار حافظ!

با تعجب و حیرت پرسیدم: حافظ؟

۱. کتاب تشریف یافتگان دفتر اول، پژوهشکده تزکیه اخلاقی امام علی صلوات الله علیه، ستاد مرکزی حزب الله ایران، ص ۱۸۹.

او فرمود: آری حافظ، او شیعه‌ای خالص بوده است...

شاید تا الان که مشغول به مطالعه کتاب شده‌اید منظور مرا از این همه مقدمه چینی فهمیده باشید، اینها همه (قضیه تفسیر یک بیت در کتاب روح مجرد، سؤال از آن عالم ربانی، و نقل این تشرّف و سؤال و جواب از محضر حضرت) عواملی بود که مرا تحریک می‌کرد که قلم را بدست بگیرم و آنچه را که به ذهنم می‌رسد که حضرت خواجه عارف شیراز رحمته الله درباره حضرت امام حسین صلوات الله علیه و کربلا سروده است را استنباط و توضیح مختصری بدهم و در مجموعه‌های بنام «حافظ و پیر مغان» گردآوری کنم.

کنون که چشمه قند است لعل نوشینت

سخن بگوی و ز طوطی شکر دریغ مدار^۱



والسلام

قم المقدسه

سید عباس موسوی مطلق

ذی الحجة الحرام ۱۴۲۶ هـ ق